

خاورشناسی یا شرق‌شناسی معادل کلمه orientalism است این واژه در لغت عرب به «علماءالشرقیات» با واژه‌ی استشراق و در فارسی از آن به خاورشناسی یا شرق‌شناسی یاد می‌شود.

گفته شده این واژه در آغاز به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شده و سپس در سال ۱۸۱۲م در فرهنگ آکسفورد به معنای شرق‌شناسی به کار رفته است.

در بیان تاریخچه‌ی شرق‌شناسی می‌توان گفت قبل از حکومت هخامنشیان در امپراتوری بزرگ شرق و غرب با مرکزیت ایران و یونان درگیری‌های گسترده‌ای وجود داشته است. این جنگ‌ها گاهی به شکل تجاری و زمانی در دوره‌ی اسکندر مقدونی به شکل نظامی و تسلط بر جغرافیای یکدیگر بوده است. اسکندر تا چین را به تصرف خود درآورده بود. ایران در این دوره گستره‌ی عظیمی داشته و جغرافیای بزرگی از کره زمین را به خود اختصاص داده بود. در قرن سوم و چهارم، اسلام تا مرزهای فرانسه پیش رفت. بدون اغراق، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در این جنگ‌ها، رشد عقلانی مسلمانان و عدم توانایی پاسخگویی مسیحیان در برابر سئوالات عقلانی آنان بود. مسیحیت توسط کلیسا به انحطاط کشانده شده بود؛ کسی که این نگرش را نپذیرد، در پاسخ سئوال چرائی وقایع عهد رنسانس و جدا شدن دانشمندان علمی از کلیسا بی‌پاسخ می‌ماند.

این دو یعنی سابقه جنگ‌های طولانی و ظهور اندیشه عقلانی اسلام، مهم‌ترین دلیل جویائی مسیحیان از تمدن شرق خاصه اسلام بود؛ به طوری که در همان قرن دوم یوحنا دمشقی در کتاب مناظره با مسلمانان و راه‌های جدل با مسلمین را به رشته‌ی تحریر در می‌آورد.

پس از فتح اسپانیا در سال ۷۱۱ میلادی توسط مسلمانان، این مطالعات، شکل جدی‌تری به

خود گرفت تا بلکه راهکاری برای نفوذ در مسلمانان پیدا شود.

جنگ‌های صلیبی نشان داد که ستیز با اسلام جزء لاینفک ماهیت غرب است. آنان که پیشرفت همه جانبه‌ی اسلام را دیدند، در پی محدود کردن دایره‌ی آن شدند؛ لذا جنگ‌های صلیبی را راه انداختند.

پس از این جنگ‌ها، شرق‌شناسی شکل قوی‌تری به خود می‌گیرد که همواره نیز ادامه داشته است. غرب با اعزام دانشجو، بازرگان، دیپلمات همواره در پی یافتن راه‌های ضربه بر پیکر شرق بود.

بنابراین مایه‌های اصلی شرق‌شناسی به قبل از اسلام و وجود دو تمدن ایران و روم باز می‌گردد. که ظهور تمدن اسلام که عظمت آن با جنگ موته و تبوک در زمان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای غرب آشکار شد، گسترشی مضاعف یافت و البته هر قدر پیش می‌رفت، غرب خطر آن را برای خود بیشتر احساس می‌کرد. زمان ترجمه‌ی متون اسلامی به زبان‌های خارجی و نیز جنگ‌های صلیبی بین قرون ۱۱ و ۱۲ بر دامنه فعالیت شرق شناسان افزود.

ناگفته پیداست چون مطالعات شرق شناسان در حوزه فرهنگ و تمدن اسلام بوده است جنگ موته و تبوک و مخصوصاً جنگ تبوک که به قهر مسلم اسلام در برابر روم بدون عملیات نظامی منجر شد، می‌تواند آغازی برای تفحص غربیان از دین نوپای اسلام و مسلمانان باشد. بنابراین شاید بتوان مبدأ پیدایش خاورشناسی را جنگ موته و تبوک در اوایل سال‌هشتم هجری که اولین ارتباط عمومی مسلمانان با غربیان است، دانست. البته چون نمی‌توان از آن تاریخ تا ارتباط گسترده مسیحیان در اندلس اثری در تاریخ مشاهده کرد، مبدأ دوم پیدایش خاورشناسی را می‌توان عصر ارتباط مسلمانان در اسپانیا نامید.

شرق کجاست؟

اصطلاح شرق و غرب به قبل از قرون وسطی باز می‌گردد. زمانی که دریای مدیترانه و اهمیت آن باعث شده بود که شرق و غرب عالم را با آن بسنجند، شرق به کشورهای گفته می‌شد که در قسمت شرق این دریا قرار گرفته است، بعدها جزیره‌العرب و حتی بخشی از آفریقا جزء شرق محسوب شدند.

به نظر می‌رسد که اصطلاح شرق از نظر جغرافیایی تنها منحصر به این نقطه نشده، بلکه نقاط غربی جزیره‌العرب و نیز شمال آفریقا را هم در بر گرفته است. این اصطلاح پس از فتوحات اسلامی رواج یافت و کشورهایمانند مصر، مغرب و شمال آفریقا و مردم دیگر کشورهای شرقی که اسلام و زبان عربی را اختیار کردند، و همه کشورهای که آئین اسلامی داشتند در قلمرو اصطلاح شرق شمرده شدند.

همان‌طور که اصطلاح شرق از مرزهای جغرافیایی پافراتر نهاد، اصطلاح استشراق هم از حوزه‌ی غربی‌ها خارج شد و به‌طور کلی بر هر اسلام‌شناس و عرب‌شناس و شرق‌شناس اطلاق گردید؛ هر چند که خود آن‌ها از نظر جغرافیایی شرقی بوده باشند.

با این وصف اطلاق استشراق روسی یا استشراق ژاپنی یا استشراق امریکایی یا استشراق انگلیسی صحیح به نظر می‌رسد و تعریف و اصطلاح استشراق شامل آنان می‌گردد و آن‌ها هم در جرگه‌ی خاورشناسان جای می‌گیرند.

انگیزه‌های استشراق

مطالعات مستشرقان غالباً برای یافتن ضعف‌ها و احیاناً کشف راه‌های استعماری جدید صورت گرفته است ولی گاه این کاوش‌ها جنبه‌ی پژوهش علمی داشته است. بی‌شک برخی کنجکاوی شخصی، آنان را واداشته بود تا در باره‌ی اسلام تحقیق کنند؛ دلیل این ادعا، مسلمان شدن برخی از شرق‌شناسان و ماندن آنها تا پایان زندگی در کشورهای اسلامی است.

برخی دیگر از مستشرقان اهداف اقتصادی، نظامی و سیاسی داشتند. آنها در پی شناخت مذهب نبودند بلکه تنها گسترش حوزه سیاسی ممالک خود را طالب بودند و لذا گاه مذهب را تقویت می‌کردند. طبعاً اگر مذهب در مقابل نگرش آنان قرار می‌گرفت بر آن هم می‌تاختند. دسته‌ی دیگر از مستشرقان را می‌توان مستشرقان تیشیری نام نهاد. آنان که غالباً از سوی کلیسا (مکتب مسیحیت) فعال می‌شدند، تنها در پی راه‌های سریع و قوی ضربه‌پذیری اسلام بودند. هدف آنان این بود که مانع تقویت اسلام شده و این دین را در برابر مسیحیت تضعیف نمایند. از جمله اهداف مهم این دسته از مستشرقان، آشفته نمودن ذهن متفکران اسلامی با بیان شبهات می‌باشد. این اهداف باعث شده که برخی استشرق را به استخدام علم در جهت سیاست استعماری معنی کنند. بنابراین نمی‌توان به همه مستشرقان به بدبینی نگریست و همه را اجیر شده از سوی استعمار دانست.

پس می‌توان گفت که کاوش‌های عربی و اسلامی از ناحیه مستشرقان به سه دسته قابل تقسیم است:

۱- پژوهش‌هایی که صرفاً با انگیزه‌های علمی انجام یافته است.

۲- پژوهش‌هایی که با اغراض و اهداف سیاسی و نظامی صورت گرفته است.

۳- پژوهش‌هایی که به انگیزه‌های تبلیغ آئین مسیحیت صورت گرفته است.

به شرح هر یک از این سه هدف توجه کنید:

۱- اهداف علمی

انگیزه‌ی علمی، یکی از اهداف خاورشناسان است. در این باره جستجو از رازهای نهفته در قرآن، از سالم‌ترین انگیزه‌ها و شریف‌ترین اهداف مستشرقان بوده است.

قابل انکار نیست که برخی خاورشناسان، عظمت زبان عربی را به عنوان فرهنگ و تمدن بخشی از زمین لمس کردند و قرآن را که نقطه‌ی اوج این زبان است، شناخته و به خاطر

آگاهی از قرآن به کاوش و پژوهش در این کتاب بزرگ پرداختند و آثار بزرگ و قابل ستایشی در این راه از خود بر جای نهادند.

با اینکه اهداف مغرضانه‌ی بسیاری از مستشرقان، فاقد ویژگی یک تحقیق علمی بوده و متکی بر هیچ دلیل دینی یا تاریخی یا واقعیت اجتماعی شناخته شده‌ای نبود، اما برخی واقعا در پی کشف حقیقت بودند. بی‌توجهی به این هدف مقدس علمی در برخی از خاورشناسان دور از انصاف است.

شاید بتوان ادوارد سعید آمریکایی، یا یوهان رایسکه آلمانی، هانری کربن و روزه گارودی از این دسته دانست. وی که مدتی عضو حزب کمونیست فرانسه بود و بعد از آن معتقد به مسیحیت شد، به اسلام روی آورد و نام رجا را برای خود برگزید. گارودی کتابی با نام «هشدار به زندگان» نوشت. یوهان رایسکه، نیز آلمانی و مسیحی است که به خاطر دفاع از اسلام و پیامبر خدا در مقابل شبهات مطرح شده در جهان عرب، از تدریس در دانشگاه منع شد و با بیماری و در وضع وخیم مالی از دنیا رفت. وی در طرح مباحث تاریخی صدر اسلام، علی بن ابیطالب را محق دانسته است

استاد نجیب العقیقی ضمن نقل این جدال‌ها به بررسی آن‌ها پرداخته و مخلصانه جانب مستشرقان را گرفته و گفته که خاورشناسی کاری علمی و آزادانه است که پایه‌های آن بر اصول تحقیق و ترجمه و تصنیف قرار دارد.

با وجود آنچه گفته شد، ما وظیفه داریم که در مقابل آثار و تلاش‌های خاورشناسان در ارتباط با پژوهش‌های قرآنی موضع احتیاط را از دست ندهیم. نگاه آغازین منفی به کاوش‌های آنان چیزی نیست که مسلمان معقول به آن رغبتی نشان دهد و حتی از آن متنفر نباشد. ولی این نگرش منفی نباید مانع بهره برداری از راه‌ها و شیوه‌ها و استنتاجات آنان از فهم قرآنی باشد.

۲- اهداف استعماری

منابع بسیار غنی کشورهای عربی و اسلامی مستشرقان را بر آن داشت تا زبان شرق را فراگیرند و با رخنه در اعتقادات آن‌ها انگیزه استعماری خویش را عملی سازند.

در این راستا کوشش مستشرقان این بود آرمان‌های مسلمانان را سبک بشمارند و پیشوایانشان را مورد انتقاد و نکوهش قرار دهند و آنان را در اعتقادات خود دچار تردید و دودلی کنند.

جاسوسی برای کشورهای خود، ایجاد تفرقه بین مردم، برجسته کردن اختلافات، تقویت مذاهب مورد انکار غالب مسلمانان و... از ابزارهای بود که آنان را در راه رسیدن به اهدافشان یاری می‌داد.

دستکاری تاریخ، یافتن رخنه‌های تاریخی، انگشت گذاشتن بر تعصبات دینی و قومی، تقویت تفسیرهای شاذ از آیه‌ها و سنن و... برگ برنده آنان را در ایجاد اختلاف بود.

اینان دست پلید کشورهای استعمارگری بودند که اقتضائات زمانه آنان را از شیوه استعماری گذشته به شیوه‌ای کم هزینه‌تر و کم سر و صداتر وادار کرده بود.

به همین جهت آنان امکانات و کمک‌های گوناگونی در اختیار مستشرقان قرار می‌دادند و حتی برخی منصفان آنان را تطمیع می‌کردند. تا آنجا که می‌توان گفت انگیزه اقتصادی یا رسیدن به دستاوردهای شخصی یا سیاسی به طمع برخورداری از مقام و پول و ثروت، محرک برخی از مستشرقان در امر شرق‌شناسی و بیان نظریات دور از واقع آنان بوده‌است.

مثلاً بلاشر شیعه را در مقابل قرآن سوزی عثمان قرار می‌دهد. و «کریشستین اسنوک هورگرونی» (۱۸۵۷-۱۹۳۶) یکی از مستشرقانی است که بر آگاهی‌های علمی او از شرق بسیار تکیه می‌شود. وی مؤلف رساله‌ای است موسوم به «العید المکی» که در سال (۱۸۸۰م) منتشر شد. او در این رساله به بررسی انتقادی آیه‌های مربوط به ابراهیم علیه‌السلام در قرآن

و این که او نخستین بنای اسلام و سازنده کعبه می‌باشد پرداخته است، با این همه وی در سال (۱۳۸۵م) شش ماه به طور مخفیانه به منظور خدمت به اهداف استعماری، در میانان مسلمانان مکه زندگی کرد و در راه انجام ماموریت استعماری خویش کتابی درباره مکه نوشت.

استاد نجیب العقیقی در این باره می‌گوید: هنگامی که حکومت‌های غربی دست اندر کار برقراری روابط سیاسی با حکومت‌های شرقی شدند و خواستند مواریث آن‌ها را به یغما برند و از ثروت هایشان برخوردار شوند و ملل شرق را تحت استعمار خویش درآورند، مستشرقان را به جمع اطرافیان خویش افزودند و آن‌ها را محرم اسرار خود گرفتند و ایشان را در پوشش نظامی‌گری و یا امور دیپلماتیک به کشورهای شرقی روانه کردند و کرسی زبان‌های شرقی را در دانشگاه‌های بزرگ و یا مدارس مخصوص و کتابخانه‌های عمومی و چاپخانه‌های دولتی به آنان سپردند و حقوق فراوانی هم برای آنان در نظر گرفتند و به القاب بزرگ و عضویت در مجامع علمی مفتخرشان کردند.

۳- انگیزه‌های تبشیری

«رودی بارت» بر این عقیده است که هدف اصلی تلاش‌های خاورشناسان در سال‌های آغازین قرن دوازدهم میلادی و نیز در قرون بعدی، عبارت از همان تبشیر بوده است. غرض آنان این بود که به مسلمانان با زبان خودشان بیاوراند که اسلام دین باطلی است تا زمینه‌ی گرایش و جذب آن‌ها را به دین مسیح فراهم سازند.

می‌توان همین نکته را از کتاب بزرگی به قلم نورمن دانیل و با عنوان «اسلام» در سال

۱۹۶۰م نگارش یافته را به خوبی استنباط کرد.^۱

اتهامهای خاورشناسان تبشیری در باره‌ی اسلام و قرآن و پیامبر در کتابی به نام «المبشرون والمستشرقون فی موقفهم من الاسلام» به قلم استاد محمد البهیّ آمده است. مؤلف کوشیده است تا اهداف پلید آنها را اثبات کند. هر چند این کتاب از سوی دکتر محمد یحیی الهاشمی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و وی ضمن رد کل کتاب، بیش‌تر مقاصد حاشیه‌ای خاورشناسان را نیز مورد انتقاد قرار داد و تمام آنها را نفی کرد، هرگز نمی‌توان اساس اهداف شوم مستشرقان را انکار نمود.^۲

ادعای بدون برهان برخی از خاورشناسان که قرآن معجونی است از خرافات، و اسلام مجموعه‌ای از بدعت‌هاست و مسلمانان افرادی وحشی و خونریزند بر همین اساس استوار است.

آنان که با اظهارات احساسی و عاطفی و با بذل و بخشش‌های کلان مادی، مردم را به چشم پوشی از قرآن و اسلام می‌خواندند و می‌کوشیدند اهمیت این دو را اندک جلوه دهند. ادعای تحریف قرآن پس از درگذشت پیامبر، ابتلای وی به صرع، جنون، دروغ‌گویی، سحر و هر آنچه عرب جاهلی به تصریح قرآن مطرح ساخته، در سخنان بی‌برهان این خاورشناسان فراوان دیده می‌شود.

برخی چون نیکلا دکیز، فیفس، فراچی، هوتنگر، ویلیاندر و بریدو در جرگه‌ی همین مستشرقان جای دارند. گروهی از خاورشناسان آلمانی و یهودی چون گلذریهر و بول به این باور گراییده‌اند که قرآن پس از درگذشت پیامبر و در همان صدر اسلام تحریف و

۱. ر.ک: خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی؛ استشرق و مستشرق نوشته محمد محسن علی الصغیر، ترجمه ترجمه: محمد صادق

شریعت.

۲ همان.

تبدیل شده است. سل در پیشگفتار ترجمه قرآن خود آورده است: محمد (صلی الله علیه و آله) شخصا مؤلف قرآن و واضع آن است. سر ویلیام مولر، ولستون، لامنس، چامپیون، شرت، گلوب، رادینسون و مینزس، همگی سخن سل را تکرار کردند و بدون برهان آن را تأیید کرده‌اند. رادینسون قرآن را شعر معرفی کرده و گفته شده ادعای شاعر بودن پیامبر را استواریت بیان کرد و توسط بل و رادینسون تکرار شد. اندرسون و وات، خیال باف بودن پیامبر را مطرح کردند. و برخی دیگر از مستشرقان گفته‌اند پیامبر از مصادر یهودی و مسیحی کمک گرفته است. سان پدرو و برخی دیگر از مستشرقین تأکید داشتند که پیامبر دچار بیماری صرع بود. برخی از خاورشناسان نیز ادعا می‌کردند که پیامبر جادوگر بوده است. و از آن جا که از رسیدن به مقام پاپ ناکام مانده، دست به اختراع آیین جدیدی زد تا از دوستانش، انتقام بگیرد.

«امیل درمنگهام» یکی از مستشرقانی است که به این یاوه گویی رسواخیز پاسخ داده و بسیاری از خاورشناسان منصف بخصوص «سرویلیام مویر» در کتاب خود به نام زندگی محمد به این ادعاهای دروغ و پوشالی پاسخ گفته‌اند. پدر «هنری لامنس» و «ون هامر» نیز عقیده «مویر» را در باره تفاوت میان حالت صرع و وحی بیان و سخنان سخیف و مخالف با واقع ایشان را رد کرده است.

ناگفته نماند گاه انگیزه تبشیری و اهداف علمی با هدف‌های اقتصادی و استعماری همراه می‌شد و خاورشناسان ناآگاه از دسیسه‌های استعمارگران را در مسیر استعمار و استثمار ملت‌ها قرار می‌داد و موجب دزدگی ملت‌ها را از همه آنان فراهم می‌نمود.

مطالعات خاورشناسان

هر چند فعالیت‌های شرق‌شناسی گاهی محدود به امور نظامی و آگاهی از موقعیت‌های جغرافیائی شرقیان می‌شد، اما غالباً بررسی زیر ساخت‌های فکری و مبانی اندیشه شرق

مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. مراد ما از خاورشناسی در پژوهش‌های اسلامی عبارت است از مطالعاتی که متفکران و گردشگران غالباً غربی در زمینه‌ی میراث شرق و مسائلی مرتبط با تاریخ، زبان، ادبیات، هنر، علوم، آئین، عادات و سنن آن مردم و بویژه دین، کتاب آسمانی و فرهنگ مردم مشرق زمین انجام داده‌اند. در این راستا قرآن یکی از غنی‌ترین موضوعاتی در نظر خاورشناسان بود. آنان تمام جزئیات و کلیات قرآن را کاویدند و بررسی‌ها و تحقیقات آکادمیک را پیرامون قرآن به شکلی اعجاب‌آور مطرح ساختند. هدف از ورود این مبحث در سلسله مباحث علوم قرآنی، نقد و بررسی آرای غربی‌های غیر مسلمان در باره‌ی کتاب آسمانی مسلمانان است. مجموعه مباحث مورد نظر مستشرقان عبارت است از:

۱- قرآن شناسی

برخی خاورشناسان همت خود را در حوزه‌ی قرآن کریم صرف کرده‌اند. عمده مباحثی که اینها در تحقیقات خود به آن مترض شده‌اند، حوزه‌ی تاریخ قرآن است. طبعاً حق هم مورد انتظار است؛ اگر وحیانی بودن قرآن که از مباحث تاریخ قرآن است، مورد تعرض قرار گیرد، دیگر از این کتاب مقدس چیزی نخواهد ماند.

بوتیه فرانسوی (۱۸۸۳م) گوستا و ویل آلمانی یهودی، نولدکه و... در این زمینه کتاب‌ها نوشته‌اند و به نقادی گاه افراطانه پرداخته‌اند.

هدف بسیاری از مستشرقان در مطالعات این حوزه رسیدن به یک هدف بوده که قرآن وحی سماوی نیست و پیامبر آن را تحت افکار یهودیت و مسیحیت نوشته است. عده‌ای نیز پیامبر را صاحب قدرت خیال تصور کرده‌اند و نوشته‌های او را زائیده‌ی افکار تخیلی وی دانسته‌اند. پرواضح است که این ادعاهای بی‌برهان تنها برای مقابله با قدرت نیرومند لفظ و محتوای قرآن می‌باشد که متأسفانه دو کتاب فعلی تورات و انجیل از آن به شدت بی‌بهره‌اند.

دومین بخش از مطالعات مستشرقان در حوزه‌ی قرآن، به بررسی موضوعات مطرح شده در قرآن و احیاناً مطابقت دادن آنها با سایر کتب آسمانی مربوط است.

گوستاو سیمون ویل آلمانی ۱۸۸۹ کتابی با نام تورات در قرآن نگاشت. همچنین الویس اسپرنگی ۱۸۹۳ نیز کتابی بانام محمد و قرآن نوشته است. دیگران نیز بسیاری از موضوعات قرآن، خاصه سرگذشت‌های آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

فهرست نویسی قرآن و تهیه معجم الفاظ آن نیز در آثار مستشرقان دیده می‌شود. گاه این فهرست نویسی‌ها تمام آثار اسلامی را در بر گرفته است. مثلاً میخائیل کزیری (۱۷۹۱) فهرست کتب خطی کتابخانه اسکوریال را تهیه کرده بود؛ همچنین ویلیام کورتون و چارلز ریو کتاب‌های خطی عربی موزه ریتانیا را در سال ۱۸۴۲ نوشته است.

۲- زندگی پیامبر

در میان حوزه‌ی مورد مطالعه مستشرقان، زندگی پیامبر خدا جایگاه مهمی دارد. برخی خاورشناسان با دید نقادانه وارد حوزه‌ی زندگی شخصی و اجتماعی پیامبر شده‌اند. عده‌ای پیامبری پیامبر را نپذیرفته و ابلاغ وحی به وی را انکار کرده‌اند؛ و برخی دیگر به زندگی شخصی وی وارد شده و کردارهای او را نقد و بررسی کرده‌اند.

۳- حدیث‌شناسی

از عمده فعالیت‌های مستشرقان، مطالعات گسترده در حوزه حدیث‌شناسی است. تحقیق در باره‌ی زندگی محدثان اسلامی و نقد و بررسی احادیث از این دست مطالعات است. یسمون اوکلی انگلیسی ۱۷۲۰م بخشی از سخنان امام علی علیه‌السلام و مارتین هارتمان ۱۹۱۸ فهرست اعلام مسند احمد، و گلدزیهر ۱۹۲۱ کتاب حدیث در اسلام و آرنه جان و نسنگ هلندی ۱۹۳۹، کتاب مفتاح کنوز السنه را به نگارش درآورده‌اند. کتاب اخیر معجم المفهرس احادیث وارد شده در کتب حدیثی اهل سنت است.

مطالعات فقهی برای رسیدن به این نکته که فقه با الهام‌گیری از تورات و دیگر رسوم یهودیان و مسیحیان ایجاد شده است، از دیگر مطالعات مستشرقان است. برجسته کردن اختلاف فقها و نقد و بررسی اصول استنباط، از جمله اجماع، از مواردی است که مستشرقان بسیار به آن پرداخته‌اند.

۵- مطالعات دیگر

تهیه فهرست موضوعی کتاب‌های اسلامی، ترجمه‌ی متون عرفانی و فلسفی، بویژه شیعی به زبان لاتین، از جمله کارهای خاورشناسان در این باره است.

تشکیلات مستشرقان

خاورشناسان علاوه بر کارهای فردی، تشکل‌های ویژه‌ای را برای آغاز و گسترش فعالیت‌های خود ایجاد کرده‌اند. که عبارت است از:

۱- تشکیل مؤسسات

هزاران مؤسسه به نام‌های مختلف در کشورهای غربی و همچنین در کشورهای اسلامی به شیوه‌های گوناگون، اهداف مستشرقان را دنبال می‌کنند. هدف این بنیادها ایجاد بسترهای مناسب و زمینه‌های مطلوب برای فعالیت‌های مستشرقان است.

۲- ایجاد دانشگاه و رشته‌ی اسلام‌شناسی

در تعداد زیادی از دانشگاه‌های معتبر جهان، رشته‌ی عربی، اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی و... ایجاد شده است. قدیمی‌ترین این مراکز، دانشگاه لیدن هلند است که در سال ۱۵۷۵ میلادی تشکیل و در سال ۱۵۹۳ کرسی درسی زبان عربی را آغاز کرده است.

اکنون صدها مرکز علمی جهان به علوم مربوط به حوزه‌ی اسلام می‌پردازند که دانشگاه‌های معتبر جهان مانند مک‌گیل در مونترال، بیرمنگام در انگلستان و ایتالیا، بوستون، شیکاگو

وهاروارد در آمریکا و...از این جمله نهادها هستند.

۳- گردآوری و ترجمه‌ی نسخه‌های خطی

موزه‌های کشورهای غربی، مملو از آثار خطی مسلمانان است که بسیاری از آنها به لاتین ترجمه شده است.

۴- چاپ دانشنامه‌ی اسلامی

در نهمین کنگره شرق‌شناسی که در سال ۱۸۹۲م در لندن تشکیل شد، دابرتسون اسمیت اسکاتلندی پیشنهاد تدوین دانشنامه‌ی اسلامی نمود. این دانشنامه با حضور خاورشناسانی چون گلدزیهر، بلاشر، بروکلیمان گیپ، آرنولد، شاخت، لامنس و...شروع به کار کرد و در سال ۱۹۳۸ در پنج مجلد و قبل از جنگ جهانی دوم چاپ شد. در سال ۱۹۶۰ میلادی نیز با ویرایش جدید به چاپ رسید.

۵- تشکیل همایش‌ها

تشکیل همایش و کنگره‌های عظیم و پر خرج از کارهای مستشرقان برای بررسی بازدهی فعالیت آنها و نیز ارائه راهکارهای جدید می‌باشد.

۶- سفرنامه

یکی از راه‌های ترویج ایده‌های مستشرقان، نوشتن سفرنامه است. سفرنامه بنیامین تودلانی یهودی اسپانیایی در سال ۱۱۷۳ و صد سال بعد سفرنامه مارکوپولو و نیز سفرنامه‌های سرآنتونی شرلی و اوزلی انگلیسی از سفرنامه‌های مشهور است.

آثار مستشرقان

حاصل بخشی از فعالیت‌های مستشرقان چاپ و منتشر شده است. از آن جمله:

۱- ریچارد بل: وی انگلیسی است و ترجمه انگلیسی قرآن و مقدمه‌ای بر قرآن کریم نشر دانشگاه ادینبورگ از اوست. بل در این کتاب به مباحث تاریخی علوم قرآن از جمله نزول

قرآن، اسلوب و مباحث محتوایی پرداخته است.

۲- مونتگمری وات: مهم‌ترین کتاب او، بازنگری کتاب استادش ریچارد بل به نام «بازنگری و باز نگاری کتاب «مقدمه‌ای بر قرآن» است.

۳- رژی بلاشر: وی فرانسوی و متولد پاریس است مهم‌ترین اثر وی، ترجمه‌ی قرآن به فرانسه است. وی سوره‌ها را بر اساس ترتیب تاریخی نزول که خود وی استنباط کرده، نوشته شده است.

۴- جان برتون: کتاب جمع قرآن که در سال ۱۹۷۷ در دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده از اوست. برتون به مباحثی چون جمع آوری نسخ پرداخته است.

۵- ویلهلم رودلف: وی آلمانی است و مؤلف کتاب «ارتباط قرآن با یهودیت و مسیح» نگاشته است.

۶- آرتور جفری: وی استاد دانشگاه آمریکائی بیروت بوده و کتاب‌هایی چون: تحقیق و تصحیح کتاب «مصاحف ابی داود سجستانی» نصوص قرآنی به نام القرآن، تحقیق کتاب القرآن نوشته خالویه، ابو عبیده و قرآن را نوشته است.

۷- گلدزیهر: وی یهودی الاصل و آلمانی است. یکی از آثار او، «مذاهب تفسیری» است. وی در این کتاب به مباحثی چون مراحل تفسیر قرآن، تفسیر نقلی، تفسیر به رأی پرداخته است.

۸- تئودور نولدکه: وی آلمانی و متولد هامبورگ است. رساله‌ی دکترای او تاریخ قرآن است. پس از مرگ وی او تو پرتسیل این کتاب را تکمیل و چاپ کرد. نولدکه به مباحثی چون وحی، جمع آوری قرآن و قرائات مختلف در رسم الخط قرآن پرداخته است.

خدمات مستشرقان

مستشرقان خواسته و یا ناخواسته خدماتی به شرق و اسلام نمودند. مطالعات شرق شناسان

نه تنها از قداست دین اسلام نکاست بلکه در تقویت این آئین سهم مهمی داشته است. اعتراف برخی خاورشناسان منصف، نزد مسلمانان به عنوان سندی غیر قابل انکار بر حقانیت اسلام قلمداد می‌شد. و اهداف ستیزجویان که نوشته‌های کینه توزانه آنان را بخوبی معرفی می‌کرد، موجب غنای علمی معارف اسلامی گردید. برخی آثار مثبت فعالیت‌های استشراقی عبارت است از:

۱- ترویج زبان شرق و زبان عربی

گسترش زبان عربی در مجامع غربی و برقراری این درس در دانشگاه‌های مهم این کشورها، از بهترین پیامدهای شرق‌شناسی بود. اخبار و اطلاعات گسترده‌ی مستشرقان باعث ایجاد تشنگی شدیدی به معارف اسلامی گشت. آنان برای فهم این معارف و یا ضربه زدن به آن، خود را مجبور دیدند تا از متون اسلامی بهره برند و به ترجمه‌ی متون بسنده نکنند.

۲- بیان شبهات

بیان شبهات از سوی مستشرقان موجب گسترش علم و تقویت آن در حوزه‌ی قرآن و دین شده است. قابل انکار نیست که اگر اشکالات و شبهات و نیز نقد و بررسی‌های مستشرقان نبود، کلام، فقه، اصول، تفسیر و علوم قرآنی چنین گسترشی نمی‌یافت. بی تردید پاسخ به شبهات آنان بر غنای فکری اسلام افزوده است و غالباً به تقویت اسلام منجر گردیده است.

۳- شناخت مسائل مهم

پیگیری مسائل اثر گذار و مهم و پرهیز از حشویات، از جمله کارهای مستشرقان است. آنان صرفاً به بحث و تحقیق در مورد علوم می‌پرداختند که در راستای اهداف‌شان اثر علمی و عملی داشت و از ورود در مباحث بی اثر پرهیز می‌کردند. این امر موجب تقویت

این مباحث در مراکز علمی جهان اسلام گردید.

۴- کار و کیفیت

پشتکار بسیار خاورشناسان در کارهای تخصصی نیز ستودنی است. کیفیت کار بسیار بیش‌تر از کمیت آن برای مستشرقان اهمیت داشت. مثلاً گفته شده که فلوگل جمع‌آوری نسخ خطی «فهرست ابن ندیم» را در ۲۵ سال انجام داده و ادموند کاستر فرهنگ زبان‌های سامی را در ۱۲ سال به پایان برده است. این مسأله برای اندیشمندان اسلامی از آن نظر حائز اهمیت است که آنان وقتی ببینند باطل برای اثبات رأی خود چنین تلاش می‌کند، به تلاش مضاعف روی آورند.

دیدگاه اندیشمندان اسلامی

مع‌الاسف برخی اندیشمندان مسلمان دنباله‌رو نظریات مستشرقان شده‌اند و عده‌ای دیگر راه دشمنی را پیش کشیده و تمام یافته‌های آنان را باطل و در پی اهداف و اغراض نامطلوب دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد قضاوت یک سویه در باره مطالعات خاورشناسان صحیح نباشد. عده‌ای که در پی اهداف استعماری و تبشیری بوده‌اند، راهی باطل پیمودند که هدف آنها بیانگر مسیرشان است. اما آنان که نقد خود را با ابزار منطق و استدلال مطرح کرده‌اند، باید با برهان پاسخ بشنوند. نگاه به آنان به عنوان مغرض، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه بر تقویت آنان نزد صاحبان عقل و اندیشه در بین ملل جهان خواهد افزود. علاوه بر این، بایستی به خاورشناسانی که قضاوت منصفانه‌ای در مجموعه مسائل اعتقادی و تکلیفی اسلام داشته‌اند، گاه به ستایش قرآن و پیامبر اسلام پرداخته و گاه در این مسیر متحمل زیان‌های بزرگ جسمی و روحی شده‌اند، ادای احترام کرد.

